

چکیده

اقتصاد اسلامی در فقه کتابی فارسی نوشته سید محمدمهدی غفاری ستار است که قصد توصیف نظام اقتصادی اسلامی از منظر فقهی را دارد. نویسنده در سه فصل به بیان مباحثی چون مکاتب اقتصادی و تفاوت و آثار آنها، تبیین اصول اقتصادی از نگاه اسلام، کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد، بیان جایگاه مالکیت، کار و تولید و نقش این امور در فقر و غنای جامعه و تبیین جایگاه و مبانی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی پرداخته است.

او حل مشکلات اقتصادی را مقدمه واجبی به نام خدمت به جامعه اسلامی می‌داند. به باور او کشف نظام اقتصادی اسلامی از طریق فرآیند اجتهاد امکان‌پذیر است. قواعد فقهی عام و خاص به نظر نویسنده به ایجاد چارچوب‌های نظام اقتصادی اسلامی کمک خواهد کرد. به نظر او اقتصاد مقاومتی باعث رشد و تقویت جامعه اسلامی از منظر اقتصادی خواهد شد.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب اقتصاد اسلامی در فقه، نوشته سید محمدمهدی غفاری ستار، پژوهشی است با هدف توضیح و تبیین اصول اقتصاد از نگاه اسلام که در سال ۱۴۰۲ ش و در ۲۰۵ صفحه به چاپ رسیده است. این کتاب در سه فصل تنظیم شده است. نویسنده در فصل اول به بیان کلیات و تعاریف مقدماتی از اقتصاد و انواع و اهمیت آن (ص ۱۹-۲۸)، مکاتب اقتصادی و راه‌های پایه‌ریزی مکتب اقتصادی (ص ۲۸-۳۷) و در نهایت به نظام اقتصادی اسلامی و روش تحقیق در آن (ص ۴۹-۶۰) و همچنین اقتصاد مقاومتی و الزامات آن (ص ۶۱-۸۳) پرداخته است. در فصل دوم با بیان امکان کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد و بررسی آن‌ها (ص ۸۷-۹۴)، به بیان اهمیت، انواع و آداب تولید و کسب در منابع فقهی و روایی (ص ۹۴-۱۲۰) و همچنین به بررسی نفع شخصی و مطلوبیت‌گرایی و محدودیت‌های آن‌ها (ص ۱۲۰-۱۲۹) و ذکر مصادیقی از تولید در منابع فقهی و روایی (ص ۱۲۹-۱۳۹) اشاره کرده است. در فصل سوم نیز با استفاده از مبانی اسلامی (ص ۱۴۷-۱۵۶)، به بررسی جایگاه فقه اقتصادی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی (ص ۱۵۷-۱۸۶) سخن به میان آورده است.

روش نویسنده در این کتاب صرفاً جمع‌آوری آیات، روایات و نظرات فقهی درباره برخی مباحث اقتصادی و توضیح آن‌ها در دسته‌بندی‌هایی بوده است و تحلیل، بررسی و نقد و ارائه نظرات جدید در کتاب وجود ندارد.

نظام اقتصادی اسلامی و اهمیت آن

و [و آیه ۲۰ سوره مزمل](#) نگارنده با توجه به آیاتی از قرآن از جمله [آیه ۸۹ سوره نحل](#) همچنین با استناد به برخی روایات معتقد است حل مسائل و مشکلات اقتصادی مقدمه‌ای است برای واجبی به نام خدمت به جامعه اسلامی (ص ۱۹-۲۵). به باور او در منابع اسلامی مکتب خاصی برای اقتصاد ترسیم نشده است؛ ولی از کنار هم قراردادن مجموعه‌ای از احکام، حقوق و مفاهیم می‌توان اصول کلی و نظریات اساسی در مورد مکتب اقتصادی اسلامی را کشف کرد. به گفته او، اقتصاد اسلامی یک دیدگاه یکسونگرانه

و قاعده منطقه الفراغ، و اقتصادی صرف نیست. او با استناد به نظریه محمد باقر صدر معتقد است یکی از مهم‌ترین راه‌های پایه‌ریزی نظام اقتصادی اسلامی، حکومت و حاکمیت است. سپس اشاره می‌کند به اینکه اقتصاد اسلامی می‌کوشد روشی اتخاذ کند که هم واقعی باشد و هم اخلاقی (ص ۳۳-۴۳)

روش کشف نظام اقتصادی اسلام

به باور مؤلف، روش کشف نظام اقتصادی در اسلام از راه‌گذر اجتهاد امکان‌پذیر است؛ زیرا ایجاد ارتباط میان امور جزئی و فرعی که رنگ و بوی زمان و مکان به خود می‌گیرند و احکام ثابت مکتب فقط در فرآیند اجتهاد امکان‌پذیر خواهد بود؛ لذا باید از طریق اجتهاد، احکام را از منابع به دست آوریم و طرح نظری نظام اقتصادی را بر پایه مبانی هدف‌ها و ارزش راهبردها و احکام بیان کنیم (ص ۴۹-۶۱)

نظریه اقتصاد مقاومتی

نویسنده، نظریه اقتصاد مقاومتی را محصول نظام اقتصادی اسلامی می‌داند؛ چراکه با به‌کارگیری دستورات اقتصادی اسلام است که می‌توان به الزامات و ویژگی‌های این نظریه دست پیدا کرد. او در ادامه به توضیح، تبیین و بیان ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته است؛ از جمله این‌که اقتصاد مقاومتی سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن بر اساس جهان‌بینی اسلامی و اهداف آن دارد. همچنین اشاره‌ای به پیشینه نظریه اقتصاد مقاومتی داشته و می‌گوید: به‌عنوان نمونه می‌توان از تأسیس شرکت اسلامی توسط علما و تجار در جریان نهضت تحریم تنباکو در حدود سال‌های ۱۳۰۰ قمری اشاره کرد (ص ۶۱-۶۸). اصول اساسی نظریه اقتصاد مقاومتی به نظر نویسنده عبارتند از: استقلال اقتصادی، عدالت اجتماعی، رونق کار و تولید، مالکیت خصوصی، افزایش بهره‌وری، پرهیز از اسراف، حرکت جهادی و توجه به دانش (ص ۶۹-۸۳)

کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد

مؤلف ذیل عنوان کاربرد قواعد فقهی در اقتصاد، بحث خود را با این سؤال آغاز می‌کند که آیا قواعد فقهی کاربردی در اقتصادی دارد یا نه؟ او قبل از پاسخ به پرسش خود، ابتدا و قاعده نفی سبیل قواعد فقهی به دو دسته قواعد فقهی عام مانند قاعده لاضرر تقسیم می‌کند و به قاعده تسبیل قواعد فقهی خاص مانند قاعده اتلاف، قاعده حیات این نکته اشاره می‌کند که قواعد عام در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کاربرد دارد؛ ولی قواعد خاص فقط در یک جنبه خاص مانند اقتصاد کارایی دارد (ص ۸۷-۹۴)

به‌گفته نویسنده قاعده لاضرر به دو صورت در اقتصاد کاربرد دارد؛ یک اینکه هر حکم و قانونی که باعث ضرر و زیان افراد و جامعه شود، باید لغو گردد و دوم اینکه کلیه قوانین درباره کسب و کار، تولید و ... باید مطابق این قاعده تدوین شود و در غیر این صورت آن قانون فاقد اعتبار شرعی است. او معتقد است طبق قاعده نفی سبیل هرگونه سلطه اقتصادی از جانب کفار بر مسلمانان نفی می‌شود مانند عدم ایجاد حق شفعه برای کفار و عدم قبول تولیت کفار بر موقوفات مسلمانان (ص ۸۷-۹۱). نگارنده بر اساس قاعده اتلاف است، تزییع اموال دیگران بدون اجازه آنان را یکی از آیه ۱۹۴ سوره بقره

مصادیق تعدی می‌داند که باید به همان مقدار از متجاوز گرفته شود (ص ۹۱-۹۲). او قواعد حیات و تسلیط را نیز از عوامل ایجاد مالکیت برشمرده است که فقها طبق آیات و روایات آنها را مستندسازی کرده‌اند (ص ۹۲-۹۳)

نقش تولیدکننده در اقتصاد اسلامی در فقه

مؤلف کتاب ذیل عنوان نقش تولیدکننده در اقتصاد، ضمن اشاره به روایات درباره اهمیت تولید و کسب و کار (ص ۹۴-۱۰۱) به بیان انواع تولید در منابع فقهی و روایی می‌پردازد. او با استناد به روایات و کتب فقهی تولید را به سه نوع حرام، مکروه و مباح تقسیم می‌کند. کسب‌های حرام مورد اشاره در کتاب عبارتند از: اعیان نجس، آلات لهو و قمار، فروش سلاح به دشمن، مجسمه‌سازی، غنا، تعلیم سحر و جادو، اجاره خانه و حیوان برای عمل حرام و غیبت کردن (ص ۱۰۱-۱۱۱). صراف، کفن‌فروشی، احتکار طعام، قصابی، بافندگی و حجامت از کسب‌های مکروه در کتاب برشمرده شده است (ص ۱۱۱-۱۱۵). نویسنده آگاهی از احکام تجارت، اقاله، ترک سوگند در خرید و فروش و ... را از آداب تولید می‌داند که باید توسط تولیدگران رعایت شود. (ص ۱۱۵-۱۲۰) نویسنده در انتهای بخش دوم کتاب، زراعت و کشاورزی، دامداری و تجارت و بازرگانی از مصادیق تولید. مورد تأکید روایات دانسته که پاداش برای آن وعده داده شده است (ص ۱۲۹-۱۳۹)

جایگاه نفع شخصی و مطلوبیت‌گرایی در اقتصاد اسلامی

مؤلف کتاب در پاسخ به این پرسش که آیا نفع شخصی و مطلوبیت‌گرایی (حداکثرسازی سود) مورد تأیید روایات است یا نه؟ با بررسی روایات به این نتیجه می‌رسد که نمی‌توان برای این دو عامل جایگاهی در اسلام تصور کرد و زیربنای رفتار تولیدکننده در اقتصاد اسلامی نیستند بلکه آنچه در رفتار تولیدکننده اهمیت دارد تلاش برای تولید کالا در راستای رفع نیاز جامعه اسلامی و خانواده خویش است (ص ۱۲۰-۱۲۹)

مبانی اقتصاد اسلامی

نویسنده در رابطه با مبانی اقتصاد اسلامی با مراجعه به قرآن کریم معتقد است اصولی چون اصل خالقیت و ربوبیت الهی و اصل مالکیت و رازقیت الهی زیربنای تمامی مباحث در اقتصاد اسلامی هستند. همچنین به باور او، اعتقاد به معاد و مسئولیت‌پذیری، از اصولی است که موجب حیات اقتصاد اسلامی می‌شود و از جنبه‌های مختلف تأثیر بسزایی در اقتصاد اسلامی خواهد داشت. (ص ۱۴۷-۱۵۶)

جایگاه فقه اقتصادی در پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی

نگارنده در فصل آخر کتاب به بررسی مبانی و جایگاه اقتصاد مقاومتی در درون اقتصاد اسلامی می‌پردازد. به گفته او، فقه اقتصادی بخش مهمی از فقه اسلامی است که اموال عمومی و دولتی (یعنی زکات و انفال و خمس و مالیات)؛ اسباب شرعی تملک و تعمیم و حفاظت ثروت (احیای موات، حیات، صید، ارث، ذباحه، وقف و ...) و بازرگانی و سایر قراردادهای اقتصادی (بیع، تجارت، مضاربه و...) را در بر می‌گیرد. او در ادامه بررسی

جایگاه و ثمره اجرایی شدن هر یک از این موارد در اقتصاد مقاومتی می‌پردازد (ص ۱۵۷-۱۷۳).

مدیریت اسلامی بازار و معاملات اقتصادی

نویسنده مدیریت و نظارت کامل بر تولید، توزیع و مصرف را از امور اساسی اقتصاد دانسته که برای تحقق آن نیاز به فراهم شدن مقدماتی است که باید توسط حکومت اسلامی صورت بپذیرد و بیان می‌کند که یکی از جنبه‌های مهم این نظارت و مدیریت، اقدامات تعزیری علیه مفسدین اقتصادی از جمله احتکار کنندگان اقلام مورد نیاز مردم است. در ادامه نیز به بانک‌ها اشاره دارد و اینکه پیشرفت و حفظ تولید و شکوفایی اقتصاد با داشتن یک نظام پولی و بانکی کارآمد و سالم امکان‌پذیر است (ص ۱۷۳-۱۸۰).

اهداف اقتصاد مقاومتی

در بخش آخر کتاب نگارنده، مواردی از جمله حاکمیت سیاسی اسلام، تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی، خودکفایی، توسعه و رشد، رفاه عمومی و افزایش قدرت اقتصادی (۱۸۰-۱۸۶) جامعه اسلامی را از اهداف اقتصاد مقاومتی بیان کرده است.

